

نختم بر اعداش بود ه است هیچ
 نم بر ابروس نندید است چین
 و دیوانش مجموعه ایست از حکمت
 و عرفان و در عین حال بخته و
 روان و باید گفت سنائی نخستین
 شاعری است که عرفان و تصوف را
 با تمامه مردم پراگند و از این
 راه گذر خدمتی بزرگه بآن اریقت
 کرد، همراهِ ابرای شاعران باز کرد
 و بتبع وی شاعران پس از او قساید
 و غزل عارفانه پرداختند و سنائی در سال
 ۵۴۵ در غزنین در گذشت

ستان یا کسر اول بروزن کنار
 از اعلام است و نام جمعی از صحابه و
 معبدان و دانشمندان

سنائی باضبط پیش منسوبست
 بستان نام زای محمد بن احمد سنائی
 و احمد بن محمد بن احمد سنائی هر دو
 در شمار معبدان خاصه

سنبسی منسوبست به زمین بر
 وزن گشمش و آن نام سنبوس بن معاویه
 بن جرجول بن نعل است پدر تیره در قبایله
 ابر و ابان بن ارفم زاین سنبسی و
 و سعید بن عبد خداک سنبسی سردودر
 شد او معبدیان خاصه با و معبدان
 سنجاری منسوبست بسنجاری

بروزن پندار از قرای جزیره و تاموصل
 مسافت سه روز راه فاصله است و نیز
 دهیست در مصر و بدانستیم ابو السعادات
 اسمعین یحیی بن موسی معروف ببهاء
 سنجاری در شمار نقیبات شافعی و
 شاعران جز اینکه شعرش بر نقیبات
 چریبند و بشهرها کوجید و اکا بر را
 ستود و در سال ۶۲۲ در گذشت بکدامیک
 منسوبست و از نظم او است

و هواک ما حضر السلو بباله
 و لانت اعلم با لغرام بباله
 اولیس للکلف المعنی شاهد

من حاله یغنیک عن تسأله
 جدت ثوب سقامه و منکت

سترغرا و صبر مت حبل و صاله
 افزلة سبغت له ام خلة

ما لوفه من تیه و دلاله
 ریان من ماء النبیة بالصبا

شرکت معاطاة غیب زواله
 تسری انواظار فی مراکب سنه

فتکار ترفق فی بحار جماله
 سنجان منسوبست بسنجان

بر وزن پندار از قرای خراف و
 ابو الحسن علی بن یوسف سنجان در

شمار ادیبان و نویسندگان صاحب کتاب
 محصه را زین و ابو الحسن سنجان بن حسن

فقیهان شافعی و از قضات نیشابور
بدان منسوبند

سنجی منسوبست بسنج‌روزن
رنج از قرای مرو و ابو داود سلیمان
بن معبد سنجی مروزی در شمار حفاظ
حدیث و از شاگردان اصمعی و نضر بن
همیل و هبثم بن عدی و از کسانی است
که برای فرا گرفتن حدیث رحنها
بمراق و عصر و حجاز و یمن کرد و در
سال ۲۵۷ در گذشت و از نظم او است
یا آمر الناس بالمعروف مجتهدا

و ان رأیها ملا بالنکر اتمره
ابدء بنفسک قبل الناس کلهم
فاوصها وانل مانی سورة البقره
ابتا مرو و ت بر تار کین له
نا سین ذلک دأب الخیب النعمره
و ان امرت بیر تم کنت هلی
خلافه لم تکن الا من الفجره
واو علی حسین بن حمیب بن محمد
سنجی مروزی در شمار فقیهان شافعی
و شاگرد ابو بکر قفال مروزی و هارح
تلخیص ابوالعباس بن القاس و متوفی
۴۳۶ بدان منسوبند

بندر بر وزن جعفر بهمنی
گستاح نام سوکس از صحابه است و

زنیست که گندم فروشی کرد و پیمان
را تمام گرفت و بخریدار داد و سنده
بهمنی پیمانه را رگستوار هم بز معنی
است این مصراع اکیلکم یا لسیف
کیل السندره بهمنی از خوتان پیمانه
شمشیر را تمام گیرم

سندل بروزن جعفر نام برنده
ایست و لقب جعفر بن فیس معنی است
در شمار معبد نان امامیه

سندی با کسر و سکون نون
بر وزن رندی نام سندی بن شاک
رئیس خرطه بغداد و نام سندی بن
ربیع بغدادی و سندی بن عیسی همدانی
است که هر دو در شمار معبد نان
شماره اند و بایای نسبت منسوبست بسند
که نام بخشی است و سیم دوهندوستان
سنن بر وزن کشمش بهمنی
نشنگی نیز استخوان دنده که طرف
سینه افتاده است و آن نام جمع است
سفی با کسر اول و شد بدنون
نسو بست بسن از قرای تکریب و
بانی است که شبلی صوفی بآن نظر
داشته و گفته است

تر لنا السن استنا
من نری حنا

فلما جئنا لليل بود لنا بيننا دنيا
 واز آن قریه است ابو محمد عبدالله
 بن علی سنی در شمار نقیبهان و سنی
 باضم اول و تشدید نون منسوبست
 بسنت بمعنی راه نیز روش - نیز خوبی
 و مقصود سنت پیغمبر است که همان
 راه و روش او باشد و سنی وصف هر
 کسی است که برسنت پیغمبر باشد اما
 آرا را بر ابرشعه بکار برند و کسانی را
 که پس از پیغمبر ابو بکر و عمر و عثمان
 علی را خلیفه دانند سنی گویند

سوائی باضم اول منسوبست
 به بنی سوائه که تیره ایست در قبیله
 هوازن و ابو جعفر و هب بن عبدالله
 سوائی از خواص اصحاب امام علی بن ابی
 طالب و وکیل بیت المال او بود منسوبست
 سواد بروزن نهاد بمعنی سیاه
 نام جمعی است از جمله سواد بن قارب
 اسدی صحابی و سواده با زیادتی تا
 در آخر آن نیز نام جمعی است از جمله
 سواده بن قیس صحابی همان کسی
 که خراست پیغمبر را قصاص کند از
 آن پس که پیغمبر گفت هر کس را
 بر من مظلومه ایست بر خیزد و قصاص
 کند لکن نکرد

سوادى منسوبست بسواد نام

کشور عراق و این نام را
 نهادند چه وقتی بسرزمین عراق رسیدند
 نخلستانهای آنرا از دور دیدند و
 پرسیدند ما هذا السواد این سیاهی
 چیست و نام سواد بر آن ماند و
 ابوالفرج علاء بن علی بن محمد بن
 علی بن احمد بن عبدالله واسطی را
 ابن سوادى گویند و رسم است که
 شخص را بشهر و کشور پیوند دهند
 ابن سوادى در شمار کاتبان وهم در نظم
 شعر بارع بود و از او است

اشكو اليك ومن صدودك اشكوى
 و اظن من شفتى بانك منصفى
 واحد عنك مضافة من ان یری
 منك الصدود فيشتفى من يشفى
 و در سال ۵۵۶ در گذشت

سوار بافتح اول و تشدید واو
 کسی است که باده در مغزش بسرعت
 اثر کند و از اعلام است و ابو سوار غنوی
 از نصیبهان هرباست و استاد ابو عبیده
 و بعضی بروزن کنار ضبط کرده اند

سوارقى منسوبست بسوارق
 بروزن شوارق و آن نام قریه ایست
 میان مکه و مدینه و ابو بکر محمد بن
 عتیق بن نجم بن احمد سوارقى بگری
 در شمار نقیبهان و شاهران و متونی

سواقی بروزن شداد یعنی در اندیشه
آن لقب جمعی از معدنان است از
مله احمد بن محمد بن علی بن عمر
بن رباح سواقی در شمار معدنان خاصه
سوده بافنج و سکون بروزن
لوحه یعنی زمین هموار که در آن
سنگهای سپاه باشد نیز زمینی که در
آن قطعات باشد و نای آن وحدت
(تاک) را اما باید و آن نام سوده دختر
زعمه بن قیس بن عید شمس عامریه
است از زنان پیغمبر

سوره با مع اول و درین دوره
نام سوره لقب استی است در
شمار معدنان خاصه

سوزنی منسوبست بروزن و
سوزنی کسی را گویند که پیشه آن
سوزن گیری باشد و آن لقب با شمس
الدین ابو بکر محمد بن علی بن محمد بن
سمرقندی است در سارا خاتم شاعران
و در آغاز با ایستگری اناجر برداشت
و نیز در محروهرن بسیار شهرت نام کرده
اما در پایان از آن راه بگردید و در
سال ۵۶۹ در سن هشتاد سالگی در
سمرقند از جهان برنشوای ایزد است
تا کی ز کردین قاره آید که در

بر آهنگینه سنگ زدن فعل ماضی
تیمت نهاده بر فلک آهنگینه رنگ
اصرار کرده با گنه خود بسر و جهر
نه شرم از صوره و نه از کبیره سنگ
شروود وقت گشته و فرعون مملکت
که با رسول کینه و که با عدلی جنگ
جانی که جنگ باید پذیرد این صلح
جانی که صلح باید آشفته این جنگ
چنگ اجل گرفته گریبانست بر ما
با خوش گرفته دامن آرد و هر از جنگ
سوزنی منسوبست سوسون معرب
سوش شم معربی خورشیدان و از آن
شهر است انوار اوله بنی بن سعد الرحمن
غیرتوس در شمار ایزدان و ایزدبان
و احمد بن محمد بن محمد بن سوسون
در شمار معدنان و در آن و شاعران
سوزنیگر خلیف و سوزنیگر و سوزنیگر
منسوبست سوزنیگر و سوزنیگر
و سوزنیگر و سوزنیگر و سوزنیگر
و سوزنیگر و سوزنیگر و سوزنیگر
و سوزنیگر و سوزنیگر و سوزنیگر
و سوزنیگر و سوزنیگر و سوزنیگر
و سوزنیگر و سوزنیگر و سوزنیگر
و سوزنیگر و سوزنیگر و سوزنیگر
و سوزنیگر و سوزنیگر و سوزنیگر

غفله از اکابر تادمان و از خواص اصحاب
 امام علی بن ایضاب و متوفی ۸۰
 سویدائی منسوبست بسویداء
 مسفر نمود، هونث اسوز از قرای خوران
 دمشق و ابو محمد عامر بن دغش بن
 خضر حرانی سویدائی در شمار فقیهان
 و از شاگردان ابو حامد غزالی و متوفی
 ۵۳۰ بدان منسوبست

سویدی باضبط پیش منسو

بسویده نام نیای عز الدین ابو اسمعیل
 ابراهیم بن محمد بن طرخان انصاری
 سویدی دمشقی در شمار طبیبان و صاحب
 کتاب التذکره در ادویه مفرده و
 متوفی ۶۹۰ و نیز نام نیای ابوالفوز
 محمد امین بغدادی سویدی است
 صاحب کتاب سبائك الذهب فی
 معرفة قبا ئل العرب و این کتاب را
 از نهایة الارب فی معرفة انساب
 العرب قلقشندی گل چین کرده امنت
 و در سال ۸۲۱ در گذشت و نیز نام
 نیای ابوالبرکات جمال الدین عبدالله
 بن حسین بغدادی سویدی است در
 شمار فقیهان و ادیبان و شارح دلائل
 الخیرات و صاحب کتاب النفعه المسکویه
 فی الرحلة المسکویه و دیوان شعر و حاشیه
 بر معنی اللیب و متوفی ۱۱۷۴

سهروردی منسوبست بسهرورد
 بروزیف کمر هدد از قرای زنجان و
 و یوزن که نورد نیز ضبط کرده اند
 و از آن قریه است شهاب الدین ابو
 حفص عمران محمد بن عبدالله بگری
 سهروردی از اهل اجم مشایخ صوفیه و
 سر حلقه فرقه صوفیه سهروردیه و در
 سال ۵۳۹ از مادر زاد و در بغداد زیستن
 گرفت و شهرهای آسیای صغیر را دیده
 و در بغداد مجلس وعظ منصوصی داشت
 و سعدی در زمان مجلس وعظ نزل بار
 سپرد و در سلسله مریدانش در آنجا و در
 بوستان نام او را برده چنانی که گفته است
 مرا پیر دانای مرشد شهاب

دواندرز فرمود بر روی آب

یکی آنکه در نفس خردین پایش

دگر آنکه در بیع بدین پایش

شهاب الدین کنایها پرداخت از جمله

کتاب عوارف المعارف و کتاب و شرف

النصایح و کتاب اعلام النعم و کتاب

جذب القلوب و بر نظم شعر توانا بود

و از نظم ار است

ای دوست وجود و خدمت ار است همه

سرمایه شادی و غمت ار است همه

تو دیده نداری سکه بینی تو را

ورله ز سرت تا خدمت ار است همه

پنجمی بر آنکه بعد از یارش نبود
 جز خوردن گلهای توکارش نبود
 در عشق و محالیش باشد که از آن
 هم با تو و هم بقره فرارش نبود
 و در سال ۳۲۲ در سن ۹۲ سالگی
 در بغداد از دنیا رفت و در شهرت
 الدین ابو الفتح یحیی است حبش
 سهروردی است معروف شیخ اشراق
 در شمار حکیمان و ادیبان و مصلحان و
 شاعران و هم در فن مناظره توانا بود
 چندانکه گویند با هر کس مناظره
 میکرد او را مغلوب مباحث و هم در
 حکمت طریقی ادب کرد که بجز بقیه
 اشراق مشهور گردید و پس از چند
 سفری که شهرها کرد در حجاز زیارت
 و در حلقه درس شریعت امامان الدین
 در آمد و با مهربان آنجا بر مانده
 میگردد و بر همگان چهره گردید و
 و اصحاب الدین او را در دست گیرد و
 میراث او را در میان میان مردم پراکند
 و همگان به سر مراد حرم و دوست
 و العالی التامر از بی با اوصاف
 مناظری مردم زیاد و ...
 اشراق را که در حرم ...
 همگان را که در ...
 او را در ...

او بیشتر گردید و زندقه و الحاد او را
 نسبت دادند و الملك التامر صلاح الدین
 او را بر آنجا داشتند که او را بکشند او
 نیر الملك الطاهر فرزند خود را بکشند
 او فرمان کرد و الملك الطاهر در سال
 ۵۸۷ او را بزندان امکنند و در زندان
 او را حقه کرد و از او است کتاب
 التلویح در حکمت و کتاب حکمة
 الاشراف و کتاب المعربات در
 اصول فقه و کتاب هرات السور در
 حدیث و کتاب الارواح السیاده
 و کتاب المعارج و کتاب المعجزات
 و غیره و او در زبان فارسی و عربی
 شعر طبع کرد و از او هم شعرهای
 نامتوس است از جمله
 و ...
 و ...
 و ...
 و ...
 و ...
 و ...
 و ...
 و ...
 و ...
 و ...

خود را ز برای نیک و بد گم نکسی
 رهرو توئی و راه توئی منزل تو
 هشدار که راه خود بهود گم نکسی
 و نیز ابو العجیب عبد القادر بن
 عبد الله بن محمد بن عبد الله بن سعد بگری
 سه روزی هم شهاب الدین عمر مذکور
 و از مشایخ طریقت

سهیلی با فتح و سکون منسوبست
 سهیم بن عمرو بن هبیب بن کعب بن
 لوی بن غالب پدر تیره در قبایله قریش
 و جمعی از صحابه و محدثانند و مسووند
 سهواجی منسوبست به سواج
 بروزن سربار از فرای مصر و اهل
 حسن بن محمد سهواجی در شمار
 ادیبان و شاعران و صاحب کتاب انوار
 و متوفی ۷۰۰ بدان منسوبست

سهیلی منسوبست به سهیل بر
 دژن زین و آن نام بلو کیست در ناحیه
 ماله از شهر های اندلس و از آنجا
 است ابو القاسم عبدالرحمن بن حطیب
 امی محمد عبدالله بن حطیب احمد
 اندلسی مالتی سهیلی در شمار ادیبان
 و نحویان و مفسران و حدیثان و صاحب
 شرح الاحوال و کتاب الا سلام بهامی
 القرآن من الاماء و الاعلام و کتاب
 الروع الا که در شرح رسیده

ناظم قصیده عینیه در مناجات باین مطلع
 یا من یری ما فی الضمیر و بسمع
 انت الیحد لیکل ما یتوقع
 و این قصیده را ابن حجر
 حموی تفسیر کرده و در سال ۵۸۱ هـ در
 مراکش در گذشت و نیز سهیلی به نام
 امیر نظام الدین احمد سهیلی حدیث
 است در شمار امران و شاعران و از
 شاگردان آذری و از آذری درخواست
 کرد که او را تخلص دهد آذری
 کسانی که در دست داشت ناز کرد و
 آغاز مضمون را نگریست و اعط سهیل
 را دید و او را سهیلی تخلص داد و سهیلی
 در دوزبان ترکی و فارسی شعر بنام
 کرد و هم مردی مری و او تاده بود
 و دانشمندان را دوست داشت و در
 کتب گریب و ملاحات و غیره کتب
 معروف او را سهیلی را بنام او نوشت
 و سهیلی در سال ۶۰۲ هـ در گذشت و او را
 ابو العزیز احمد بن محمد در
 شرحه در شرحه در شرحه در شرحه
 و صاحب کتاب الروع الا که در
 او را سهیلی در شرحه در شرحه
 خود سهیل نام و در رساله سهیلی
 توفی وی و زمر خوانده است
 فرا در شرحه در شرحه در شرحه

فخر الملک ابو طالب محمد بن خلف او
 را نزدیک گرفت و از آن پس که فخر
 الملک در گذشت بر مال خود بفرسید
 و بوالی تکریت پناه برد و در سال ۴۱۸
 در گذشت و بیست هزار دینار برجای
 گذاشت و والی آن را بوزنه و رسانید
 و از نظم او است در پرتو ماه بر آب
 کأنما البدر فوق الماء مطلقا
 و نحن ناشط فی لهوری طرب
 ملک رأنا ناهوی العبور ولم
 یهدر فمدله جسر من الذهب
 سیاری منسوب است بسیار روزن
 عطارد نیای ابو عبدالله احمد بن محمد
 بن سیار سیاری است در شمار کاتبان
 آل طاهرو در ملک معدن و صاحب
 حکم اب العاراب و کتاب الطرب و
 کتاب ثواب الفرائض و سرایان ابی ابو
 الحسن احمد بن ابراهیم سیاری است
 در شمار علمای امامیه و خالوی ابو
 عمر و راهب در سلاط علمای امامیه و
 ابو عمر و زاهد حدیث کرد که سیاری
 خالوی من مذهب تشیع را برگزید
 و من من ابریه استن بوده و ما در چهل
 سال از مرا به دست تمام خواند از او
 فخر مردم در علم حدیث است از او
 به حدیث از او را در علم حدیث

و سیاری با کسر اول و تهذیب منسوب است
 بسیار روزن کنار از قرای بطار و
 ابو الحسن علی بن حسین سیاری
 معروف به علیک طویل (۱) در شمار
 معدنان بدان منسوب است
 سیبوی به مرصع است از دو
 کلمه فارسی سیب و ووه کلمه اعجاب
 یعنی چه شگفت سیبی و آن لقب ابو
 بشر عمر و بن عثمان بن فخر فارسی
 به معنای است در شمار استنید نعوی
 ائمه ادب و شاعران حلیل بن احمد و
 عیسی بن محمد و یونس بن یونس و اخفش
 و صاحب کتاب الفقهیه به سیبویه در
 مصداق از مادر زان و در سره نشو و
 ما کرد و از آنها فغان گوچند و در
 فی نحو له آواره گوید و الکتاب
 را در هزار ورق برآید و صاحب در
 در و صاحب است که در نحو
 کتابی است که نوشته شده و هر کس
 در نحو کتابی است که در کتاب
 از سر آمدن از سیبویه را میان
 از او است که در نحو را حدیثی
 است که در نحو را حدیثی
 است که در نحو را حدیثی
 است که در نحو را حدیثی

سینه در موضوع بهت سخن فاذا
 هو هی بافاذا هو ایها مباحثه در گرفت
 بشرحی که داستان آن بتفصیل در کتاب
 مغنی النیب مسطور است و هر دو
 آن بدآوری هر یک تن دادند و هر یک
 جانب کسانی را که صاحب منزلت بود
 رها پست کردند و سیبویه سر افکنده
 گردیدند و بایران سفر کرد و در شیراز
 زیست و در سال ۱۸۰ در گذشت و
 چهل و چند سال عمر کرد و در آنکه
 در شیراز و باساوه و یا بصره در گذشته
 است اخیلاست و هم در سنین عمر او
 او را سیبویه از ایزوی گفتند که
 خوشرو بود و گوشتش سرخ همچون
 سیب و نیز ابو الحسن علی بن عبدالله بن
 ابراهیم کوفی مالکی راسیویه گویند
 وی نیز در شمار لغویان بود و در
 سال ۶۶۷ در قاهره در گذشت و از نظم
 او است در غزل که با اصطلاح لغویان
 آنرا آمیخته است

عند بیت قلمی بوجر منک متصل
 نامن هو اه ذمیر غم منفصل
 مارال بن تدر اکرا صدودادای
 و ما من و الیوم من منار الی بدل
 و من من و من و من و من و من
 و از قرای آنرا و آنرا و آنرا

محمد بن احمد بن علی سیبی در شمار
 نقیبان شامی و متوفی ۳۹۲ بدایت
 منسوبست

سید برون بیدبغنی شیرین
 گرگ از اعلام است و ابن سید کنیت
 مشهور ابو محمد عبدالله بن محمد بن
 سید بطمیوسی اندلسی است در شمار
 لغویان و نحویان و ادیبان و
 صاحب کتاب المثلث و کتاب سبب
 اختلاف الفقهاء و کتاب العمل فی
 شرح آیات الجمل و شرح ادب الکاتب
 و شرح دیوان متنبی و شرح سقط الزند
 و شرح موطا و غیر اینها و متوفی ۵۲۶
 و نیز کنیت احمد بن ابان بن سید اندلسی
 است در شمار لغویان و نحویان و صاحب
 کتاب العالم در لغت در یکصد مجلد
 و از آن آغاز کرد و بنده پایان داد
 نیز کتاب اخفش را شرح کرد و در سال
 ۳۸۲ در گذشت و سیده بازادتی تا
 در آخر آن نیز از اعلام است و ابن سیده
 کنیت مشهور ابو الحسن علی بن اسمعیل
 مرسی است و با آنکه نایبنا بود در
 شمار پیشوایان ادب و لغت ابتدا و از
 او است کتاب المحکم و کتاب
 المخصص هر دو در لغت و کتاب الایق
 در حساب در شش مجلد و متوفی ۶۸۵

و گویا نلم سیده نام یکی از مادران بالا
ترین اوست

سیدالناس بافتح و تشدید یا
یعنی سرود مردم و این سید الناس
کتیب مشهور ابوالفتح محمد بن احمد
بن عبدالله بهمری است در شمار فقیهان
شاهسی و صاحب کتاب شری الطریب
بد کمال الصبیب و کتاب عیون الاثر
فی ذیون المغاری والشمالی والسر و
کتاب نور العیون و این کتاب تلخیص
همان عیون الاثر است این سیدالناس
در فقه رسالت ۲۱۰ از مادر زاد و یک کتب
دانش پیدایش و بعمدی رفت و از این
بجانب و این کتبی در اکثرت و میان او
و صلاح الناس و فقهی مشاهیر بود
و فقهی بوشه که این سید الناس بنویس
کتاب شرح کتب و از نام او است
من اعلم من المعروف فی فقه
بانی اخبار و الصبیب و غیره
از این کتاب است که در این
و اما در این کتاب است که در
و این سید الناس در این کتاب
کتابی است که در این کتاب
و این سید الناس در این کتاب

در این کتاب است که در این کتاب

قریه است ابو سعید حسن بن عبدالله بن
مرزبان سیرانی در شمار پیشوایان ادب
و لغت و نحو و شعر و عروض و لغواتی
و شارح کتاب سیبویه و از بهترین علوم
کتاب سیبویه است و شارح قصیده در بندیه
و کتاب الاغصاع در نحو با امام و فرزندان
یوسف بن حسن سیرانی که او نیز از
اعلام ادب است و پس از پدر جای او
نشست آنرا امام شرد و کتاب صنعت الشعر
و البلاغه و کتاب اخبار معانی البصر و
و غیر آن ابو سعید سیرانی در سیرای
از مادر زاد و در همه جا نام او بسیار
پرداخت و معانی و فقه و حدیث
معتمد زده و از آثار او در ادب است
و در این معانی زده و هم در آن شهر
معتمد بنا بر لغت و از این بر روی او را
حدیثی است که در این گویند و در حدیثی
باوردن او را در این کتاب
معتمد نیز در این کتاب
وجود دارد و در این کتاب
در حدیثی است که در این کتاب
و پدرش در این کتاب است و
این کتاب در این کتاب است و
در این کتاب است که در این کتاب
در این کتاب است که در این کتاب

در روز ۲۰ بهروز در حضور سیرانی گفت
 لست صد رأ ولا قرأت علی
 صدر ولا علمك البلی بشاف
 امن الله کل نحر و شعرو عمرو
 من بجائی عهد سیراف
 و سیرانی در سال ۳۶۸ در گذشت
 و نیز از آنجا است احمد بن علی بن
 هبیس بن نوح سیرانی در شمار نفات
 در زمان امامه و استاد نجاشی و صاحب
 کتاب المصایح و کتاب العاضی بین
 الحدیثین المحدثین و غیر آنها
 سعیدی عدو است بسیر بروزن
 در از شهر کهای یمن و سعیدی بن ابی
 العزیز بن سالم سوری یعنی سیرانی در
 شمار علمای و صاحب کتاب الایمان در
 فقه و لغت و تاریخ و کلام الایمان
 و کتاب تاریخ و سیرت و مسودت
 و کتب دیگر و در زمان سیرانی
 معربان را در سیرانی شهرت
 ابو کریم محمد بن سعیدی بن ابی
 است در شهر سیراف و در زمان
 امام سیرانی در سیرانی و در
 او در سیرانی در سیرانی
 در سیرانی در سیرانی
 در سیرانی در سیرانی
 در سیرانی در سیرانی
 در سیرانی در سیرانی

کفایت از بودن است) باب ابن سعیدین
 و در سال ۱۶۰ در گذشت
 سینا بروزن بینا نام نیای شیخ
 رئیس ابوعلی حسین بن هبید الله بن
 سینا است مشهور با بن سینا و بنظر
 چنین رسد که سینا فارسی است که
 آنرا معرب کرده اند و عربی نیست اما
 ریشه آنرا در فارسی نیافتیم و اما سیناه
 مذکور در قرآن نیز معرب است و نام
 سرزمینی است میان دریای احمر و
 دریای مدیترانه که کوه طور در آن
 افتاده است این سیناه قریبه افشنه از
 برای خرمین از توابع بغارا سال
 ۳۷۰ از مادر زاد در عمارت کسب دانش
 پرداخت و در مدت پنجاه سال علوم ادبیه
 را فرا گرفت و فنون ریاضی را از محمود
 مسیح پاموخت و فقرا را از اسمعیل زاهد
 و مسیح و کتاب الفایس را بیس ابو
 عبد الله باالی خواند و آنگاه تحصیل
 علوم عقلیه پرداخت و استادان دقیق
 را ندید و از آن پس بصناعت طب
 پرداخت و هنوز سن عمرش به بیست
 برسد که عاوم و قنون نامرده
 را بیس را گرفت و در این هنگام
 بمسافرت مسارات و رجوزان
 در آن و هم در آن ایام امیر نوح

در دو این سینا از معاصرت اجازت ...
 و در آتشی راه سره یک گاه بر اثر
 قولنج آید غرض گردید دستور دو
 دانک تخم کرفس داد که با آن سقنه
 کنند و پنج دانگ داخل کردند و
 فرجه امعاء شدیدتر گردید و باصفهان
 او را برگردانند و چندی نباید که
 علاه الدوله آهنگ سفر همدان کرد
 و این سینا و با خود برد اما چون این
 سینا بومدان رسید از پا در آمد و رفتن
 خود را دانست و با اصلاح کارها پرداخت
 و در ماه رمضان ۴۶۲ در گذشت و
 مصنفات گرانیهائی از او برجای ماند
 مانند کتاب اشارات و کتاب شفا و کتاب
 قانون و کتاب نجات و دانشنامه علامی
 و کتاب عیون الحکمة و کتاب المبداء
 و الهاد و غیر اینها و در دوزبان فارسی
 و عربی شعر نظم کرد و قصیده هجیه
 او از مشاهیر قصاید او است بدین مطلع
 هجعت الیك من المعمل الارفع
 و رقاء ذات تعز و تمنع
 و از نظم عربی او است در غزل
 لا اجازی حبيب قلوبی بجرمه
 الا احبى علیه من ذاب لعله
 ضحیت عنی بر یضه فتذلت
 الی اعف سر فیه عند لثمه

در دو این سینا از معاصرت اجازت ...
 و در آتشی راه سره یک گاه بر اثر
 قولنج آید غرض گردید دستور دو
 دانک تخم کرفس داد که با آن سقنه
 کنند و پنج دانگ داخل کردند و
 فرجه امعاء شدیدتر گردید و باصفهان
 او را برگردانند و چندی نباید که
 علاه الدوله آهنگ سفر همدان کرد
 و این سینا و با خود برد اما چون این
 سینا بومدان رسید از پا در آمد و رفتن
 خود را دانست و با اصلاح کارها پرداخت
 و در ماه رمضان ۴۶۲ در گذشت و
 مصنفات گرانیهائی از او برجای ماند
 مانند کتاب اشارات و کتاب شفا و کتاب
 قانون و کتاب نجات و دانشنامه علامی
 و کتاب عیون الحکمة و کتاب المبداء
 و الهاد و غیر اینها و در دوزبان فارسی
 و عربی شعر نظم کرد و قصیده هجیه
 او از مشاهیر قصاید او است بدین مطلع
 هجعت الیك من المعمل الارفع
 و رقاء ذات تعز و تمنع
 و از نظم عربی او است در غزل
 لا اجازی حبيب قلوبی بجرمه
 الا احبى علیه من ذاب لعله
 ضحیت عنی بر یضه فتذلت
 الی اعف سر فیه عند لثمه

و الی ...
 لم تزل فی غمی بیلا وة طعمه
 لبث قلبی لمندرد و رقمانی
 ملک ا جفاته و روحی لجسمه
 یکسر الجفن با افتور و مسالی
 عمل و قت کسره بخیر خدمه
 و از نظم فارسی او است
 دل کوی ... در این بادیه بسیار شناخت
 یکموی ندانست و بسی موی شکافت
 و ندر دل من هزار خورشید بنافت
 آخر به کمال ذره راه نیافت
 سیوری منسوبست بسبور بر
 وزن سرور از قرای حله و از آن فریه
 است ابو عبدالله مقاماد بن عبدالله بن
 محمد بن حسین بن محمد علی سیوری
 اسدی معروف به انشل مقاماد و فاضل
 سیوری از اعلام بهبهان و متکلمانی
 امامیه و صاحب کتاب نهج المسترشانین
 می امرول الدین و کتاب کفر العرفان
 فی فقه العرآن و کتاب التذیح الرابع
 فی شرح مختصر الامرایع و شرح الباب

الحداد عشر ...
 شرح الفیه شهید و شرح اصول نحو
 نصیر الدین و غیر اینها و متون
 سیوطی منسوبست بسبوط
 وزن قبول و آن نام قریه ایست در مه
 و باضم اول بر وزن ثبوت نیز خبر
 کرده اند و اسبوط بر وزن اخبرند
 نوشته اند و از آن قریه است جلاله الدین
 ابو الفضل عبدالرحمن بن امی سکره
 ناصر الدین محمد سیوطی از اعظم
 ادیبان و نویسندگان و صاحب پیش
 از پانصد مصنیف مانند کتاب الاقصاد
 و کتاب السلسلات و کتاب الکلام
 الطیب و کتاب البهجة المرضیه فی شرح
 الا نفه و کتاب فتح القریب و کتاب
 المغامات و کتاب الا و ایل و کتاب بغیة
 الواعان و کتاب ذخائر العقب و غیر اینها
 سوانی در اصول پرو اشاعره بود و
 در فروع بر مذهب شافعی و از سیصد
 کس فرا گرفت و در فنون مختلف
 کتاب برداشت در سال ۹۱ در گذشت .

(با یات جلد اول)

تذکار

...
 ...

اندیشه‌های تابناک

یا

(افکار و نظریات دانشمندان معاصر)

دوباره فرخنده داروین

«تکامل یا تحول»

«مرد آورنده»

سینما باقری

این کتاب در دست تهیه و شامل نظریه‌های دانشمندان

و نویسندگان طبقه اول خواهد بود